

سه‌ای که یکم بهمن ۱۳۷۳ متولد شد

# سرای «ایران»

خشنود است که به سهم خود، روزنامه‌خوانی را از یک رفتار ساده فرهنگی به یک آیین مناسکی بویا ارتقا داده است. این روزنامه از همان روز که اسبش را زین کرد و با بشارت «به میان شما آدمیم» خود را شناساند کوشید مردم را نه به چشم مصرف‌کنندگان کلایی آماده، بلکه به عنوان آفرینشگرانی خلاق و صاحبنظر بنگرد و در هوای آنان نفس بکشد و کوشش را برای صدایشان تیز کند. در این حضور شکوفا، نه می‌خواست زرد و زشت باشد، نه سفید و بی‌نم، و نه سرخ و سربه هوا. همواره سبز و سربلند ماند با زبانی که پایبند حقیقت و سرسپرده حقیقت و دلبسته اخلاق است. این زبان متین، شاید لهجه‌اش چند بار عوض شد اما حاشا که دستور و گرامرش تغییر کرده باشد. اگر در مناسک

شده بودند. اما زمانی که قرار شد این اتفاق بیفتد، تلویزیون هم روی این ماجرا کار کرد و سرانجام آنها از این عمل به سلامت بیرون نیامدند. آن روز مصادف با یک اتفاق سیاسی مهم هم بود که در شرایط عادی حتماً تیتز می‌شد، اما به اصرار استاد بلوری و با توجه‌ایشان نهایتاً ماجرای تلخ لاله ولادن تیتز اول شد.

علاوه بر تیتز نخست، سخن اول ما یعنی یادداشت صفحه اول هم به همین داستان اختصاص یافت. اینکه لاله ولادن تیتز دوری از هم را نداشتند. من آن روز را کاملاً به یاد می‌آورم که در کیوسک‌های روزنامه فروشی در کنار انبوهی از تیتزهای سیاسی و اقتصادی، تنها روزنامه‌ای که نظرها را جلب می‌کرد، تیتز روزنامه ایران بود و بیشتر مردم هم روزنامه ایران را انتخاب می‌کردند. تیتز دیگری را هم که به یاد دارم شب اعلام خروج ترامپ از برجام است. یادم می‌آید دوره مدیر مسئولی آقای فاضلی بود و مردد بودیم چه تیتزتری بزنیم. حوالی دویا سه نیمه شب بود که تیتز زدیم. «برجام بدون مزاحم» این تیتز فردا میان تیتزهای دیگر از بقیه بهتر بود. تیتز نیمه شبی بود و



معمولاً آخر شب‌ها بدترین تیتزها به ذهن می‌آیند، ولی آن شب برعکس شد.»

کارشناسان روزنامه‌نگاری می‌گویند تیتزها مهم هستند. تیتزهای گمراه کننده می‌توانند مخاطب را گمراه کنند. تیتز خوب می‌تواند روی مخاطب تأثیر بگذارد و ما هرگز نخواهیم فهمید که هر تیتز در زمان خود چه تأثیری گذاشته است. هر تیتزتری قصه‌ای دارد، به اندازه ۲۷ سال انتشار.

سجاد مشغری / ایران



میرحسین زاهدی / ایران

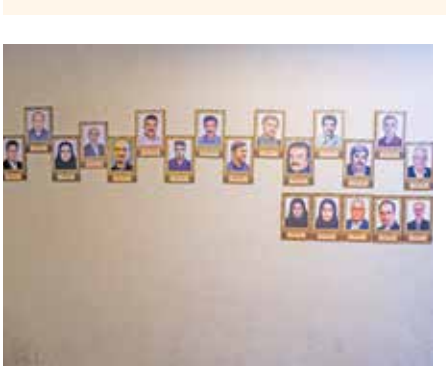
زندانی شده بودند، آزاد کنیم.»

بلوری به تیتزهای ماندگار سال‌های اول انتشار روزنامه ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: «خبرنگاران گروه حوادث روزنامه ایران واقعاً دلسوزانه کار می‌کردند. ماجرای فحاش شب که زنان را شکار می‌کرد، ماجرای شاهرخ و سمیه که گزارش‌های آن باعث شد بسیاری از خانواده‌ها متوجه فاصله خودشان و فرزندان‌شان شوند... و این تیتزها و گزارش‌های ماندگار دوره مسئولیت من در گروه حوادث روزنامه ایران است.»



علی‌محمدی / ایران

تولد فاگلگیرش کردند از شوق گریه کرد و گفت تا امروز کسی برایش جشن تولد نگرفته است. پرویز صادق هم این روزها با بیماری دست و پنجه نرم می‌کند و دیالیز می‌شود. آنها نه تنها دلگرمی بچه‌های تحریریه بلکه نخستین مخاطبان ما و نخستین مواجهه ما با تأثیر مطلب نوشته شده، در ذهن خواننده نیز هستند.



سجاد مشغری / ایران

پرویز زاهدی در سن ۸۰ سالگی همچنان عاشق کارش بود و مأموریت‌های مختلف می‌رفت و می‌گفت می‌خواهم تجربه کسب کنم.این‌ها بخش کوچکی از خاطرات رفتگان روزنامه است و بیشتر، یادی از آنها، اسم‌های دیگری هم هستند: کامبیز علایی نیک، پرویز چهاردولی، ایرج بزدانی، نیلوفر فروزش طهرانی، امیرازهنی، محمد فضایی، محمدحسین شیرخانلو، محمد ماجد نجار و محمدحسن اعتماضی. همان‌ها که روزی سر همین میزها می‌نشستند و حالا فقط یک قاب عکس هستند در ردیف عکس‌های قاب شده روی دیوار.

## ۴

## یادداشت



مهدی‌الیاس قنبری معاون‌سرمدیر

بسیاری از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران بعد از کسب تجربه کار در رسانه جذب فعالیت در روابط عمومی‌ها می‌شوند. من اما پس از جدایی از فضای رسمی خبر و پس از تجربه فعالیت مناسک روزنامه‌خوانی همچنان جاندار و جاری خواهد بود و تابعان این آیین باز هرصبح مناجاتنامه‌ها را مثل قنوت روی دست و مقابل چشم می‌گیرند تا عهد خود را به حقیقت و منطق و اخلاق تازه کنند. وقتی فردای ایران فرا رسد، باز هم فراوان خواهند بود زائران و مشیتاقانی که خوش دارند مشق توسعه و تعالی این سرزمین را با روایتی در تراز زبان سبز «ایران» بخوانند و بشنوند.

## ایران در مسیر تحول

کار رسانه‌ای یا کار در رسانه علی‌رغم همه سختی‌ها و استرس‌هایش جذابیت‌هایی دارد که دل‌کنند از آن را سخت می‌کند. این‌جمله را روزی که داشتم پس از شش سال از خبرگزاری مهر جدا می‌شدم در صفحه اینستاگرامم نوشتم.

بسیاری از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران بعد از کسب تجربه کار در رسانه جذب فعالیت در روابط عمومی‌ها می‌شوند. من اما پس از جدایی از فضای رسمی خبر و پس از تجربه فعالیت مناسک روزنامه‌خوانی همچنان جاندار و جاری خواهد بود و تابعان این آیین باز هرصبح مناجاتنامه‌ها را مثل قنوت روی دست و مقابل چشم می‌گیرند تا عهد خود را به حقیقت و منطق و اخلاق تازه کنند. وقتی فردای ایران فرا رسد، باز هم فراوان خواهند بود زائران و مشیتاقانی که خوش دارند مشق توسعه و تعالی این سرزمین را با روایتی در تراز زبان سبز «ایران» بخوانند و بشنوند.

## ۷ سلامت کلمه در «ایران»



آزاده سهرابی دبیر گروه اجتماعی

این ترس را کنار می‌زد.

مثل لحظه‌ای که در یکی از کارگاه‌های مربوط به اصول روانکاو، استاد به نقل از حبیب دونلو – فکر کنم- گفت یک جراح وقتی می‌خواهد به اتاق عمل برود باید کاملاً استریل باشد چون بردن یک ذره آلودگی به آن اتاق یا جان بیمار در ارتباط است. گفت یک درمانگر هم باید خودش درمان شده باشد تا بدون آلودگی روبه‌روی بیمارش بنشیند؛ چون اینجا هم ما جراحی روان را داریم و مراجعه‌کننده

## ۷

## یادداشت

در ۲۳ سال کار رسانه‌ای سعی کردم همه آنچه را که می‌آموزم به هم متصل کنم. اوایل گمان می‌کردم فعالیت در چند حوزه هویت حرفه‌ای مرا زیر سؤال می‌برد اما لحظه‌هایی در تجربیات زیسته‌ام پیش آمده و می‌آید که کل

ناخودآگاهش را جلوی درمانگر بیرون می‌ریزد. حالا شاید فکر کنید این به روزنامه‌نگاری چه ارتباطی دارد؟ همانجا از ذهنم گذشت که چقدر لازم است هر کس که قلم به دست می‌گیرد و می‌نویسد، قلمش «عاری از آلودگی» باشد. حالا در حرفه خبرنگاری و روزنامه‌نگاری این «عاری از آلودگی» می‌شود کسی که خشم شخصی‌اش را به نوشته‌هایش راه ندهد، کسی که به‌خاطر منافع شخصی نویسد، کسی که حب و بغض‌هایش را در مطالبش منعکس نکند و... اگر آنجا جراح است و بیمار و جای دیگر درمانگر، اینجا هم نویسنده است و مخاطب. آنچه ما می‌نویسیم از چشمان مخاطب به سرعت نور وارد ذهن او می‌شود و شروع به پردازش می‌کند... شاید حتی اینجا این «عاری از آلودگی» بودن مهمتر باشد چون مخاطبان ما نادیده هستند و هر کدام با یک خصوصیات شناختی و هیجانی و رشد یافته در خرده فرهنگ‌های متفاوت تعریف

## ۸

## یادداشت



میریم آزاریبی خبیرنگار گروه اقتصادی

سال‌ها قبل سرریالی پخش می‌شد با عنوان «در برابر آینده». داستان مردی که به طرز مرموزی و توسط یک گریه روزنامه روز قبل به دست او می‌رسد و تصمیم می‌گیرد از این فرصت برای جلوگیری از بلایای پیش‌بینی شده استفاده کند. این درام فانتزی در روزهایی ساخته شده بود که مردم صبح به صبح برای شنیدن تازه‌ها سراغ روزنامه می‌رفتند و اولین روایت از رویدادها را می‌خواندند، این سریال بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ پخش شد.

چیزی حول و حوش همان روزهایی که تازه دنیای خبر را به‌عنوان شغل آینده انتخاب می‌کردم و وارد دنیای نسخه اول‌های روزنامه و منابع دسته اول خبر شده بودم البته آن

## ۹

## یادداشت



لیدا فورزی دبیر گروه‌اندیشه

قرنطینه که شد خیلی از ما خوشحال شدیم؛ «دورگاری» به معنای این بود که دیگر نیاز نبود روزی سه الی چهار ساعت در ترافیک بنامن، دیگر از الزامات دست و پاگیر تحریریه هم خبری نبود، فکر دوری از برخی تعاملات ناخوشایند حتی لیخند به لبم می‌آورد. کار در خانه راحت به نظر می‌رسید؛ اتاق خواب شده بود «تحریریه خانگی» اینکه می‌شد با لباس راحت روی تخت نشست، قهوه داغ نوشید، تیتز روزنامه‌ها را در صفحه نمایشگر ورق زد و در عین حال سوزن‌های سردبیر را بیگیری کرد، هیجان‌انگیز بود. حتی نشستن و نوشتن در فضای تنگ باکدن بدون میز و صندلی مناسب کار، احاطه شدن در میان گلدان‌های پرپوش و اطلسی با چشم‌اندازی از کوه‌ها، لذتی عجیب داشت.

▪ پنجشنبه ۳۰ دی ۱۴۰۰

▪ سال بیست و هفتم

▪ شماره ۷۸۲۹

## کزارش

رسانه و رسانه را به او می‌رساند.

برای همین است که من فکر می‌کنم خیلی نباید برای آینده برنامه‌ریزی کرد. همان انتخاب‌های کوچک کافی است. تقدیر کار خودش را می‌کند. این بار هم کار خودش را کرد و مرا برگرداند به رسانه. این بار رسانه‌ای کاملاً رسمی، جدی و مهم. رسانه‌ای با سابقه ۲۷ ساله و پر از روزنامه نگاران حرفه‌ای و پیشکسوت.

«من ایران را دوست دارم!»؛ این شعار روزنامه ایران است و من هم با اینکه تازه واردم به این روزنامه ولی «ایران» را دوست دارم، با همه آدم‌هایش. مردم ایران در دوران جدید اراده کردند برای بازسازی نظام حکمرانی و تحول ایران. روزنامه ایران نیز متناسب با این اراده تحول‌خواهی، وظیفه سنگینی بر دوش دارد که امیدوارم از عهده‌اش برآیم.

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

می‌شوند. کلمات روح و جان دارند. کلمات بر شناخت و هیجان مخاطب اثر می‌گذارند. حتی در این روزگاری که سرعت داده‌های اطلاعاتی فرصت کمی برای پردازش مطالب توسط مخاطب می‌گذارند اما اگر بدانیم حافظه تک تک ما چه فرایند پیچیده‌ای دارد هیچ نوشته خود را بی‌اهمیت تلقی نمی‌کنیم. اینکه حتی اگر مخاطب با دقت کم هم نوشته‌مرا بخواند در زیر سطح آگاهی او ممکن است رد نوشته من برجای بماند.

این حرف خود را می‌خواهم تعمیم بدهم به فضای مجازی اما واقعیت این است که توقع این میزان «عاری از آلودگی» بودن تک تک افراد راه به کمال گرایی افراطی می‌برد. پس تلاش می‌کنم جایی در نوشته‌هایم بگذارم که به مخاطب هم مسئولیت شناخت «آلودگی»‌ها و مصون ماندن از آنها رایادآوری کنم. من به «ایرانی» می‌اندیشم که سلامت «کلمه» در آن جاری است.

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

آیا اگر روی نسخه اولیه نباشیم مسئولیتی متوجه ما نیست؟ و حالا که بار آگاهی را تنها به دوش نمی‌کشیم و دیگر تنها در برابر آینده نایستاده‌ایم، مسئولیتی هم نداریم؟ این درگیری ذهنی را برای خود توجیه می‌کنم اما هر اسام از این است که آن توجیه‌گری باشم که بی‌اراده شرایط تحمیلی را توجیه می‌کرد اما نه اینها توجیه نیست.

هنوز هم روزنامه حرفه‌ای‌ترین عرصه برای روزنامه‌نگاری حرفه‌ای است و معنای قلم زدن و نوشتن در این پستر جاری است و ما درست در جایی ایستاده‌ایم که قهرمان آن داستان ایستاده بود.

ما از میان انبوه اخبار درست و نادرست و گردیاده‌های باورپذیری که در اثر تکرار اخبار و فیک‌ها ایجاد شده، نسخه اولیه را یافته‌ایم و مسلحیم به کلید رمزگشایی از این انبوه اطلاعات پس در برابر آینده مسئولیم.

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

شانس زندگی خوب را از دست می‌دهد. در ایامی که بیش از هر چیز دلنگران سلامتی بودم و «ارتباط بدون اجتماع» اساس مراداتم شده بود، ضربانگک زندگی کند شد و «سندروم خستگی مزمن» پا به پایم آمد؛ این مخلوق دوران دورکاری!

### ▪ بازگشت به تحریریه

بعد از ماه‌ها دورکاری، وقتی به تحریریه بازگشتم، کار و معاشرت رو در رو با همکاران لذتی وصف‌ناپذیر داشت که در این ۲۰ سال حضور در «تحریریه روزنامه ایران» کمتر به ابعاد خوب و سازنده‌اش آگاه شده بودم. حال، همه الزامات کار در تحریریه برابیم خوشایند شده بود. عجیب آنکه جلسه‌های کاری و تعاملات گاه دشوار با برخی از همکاران گروهم همچون گذشت، کلامه‌ها نشود! حالا بعد از قرنطینه، حواسم هست که سطح صاف صفحه نمایشگرها دیگر،

معمار صمیمیت‌هایم نشوند.

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

رسانه‌های آنلاین و بویژه کانال‌های خبری، عموماً توسط افرادی می‌شوند. در نقطه مقابل، روزنامه‌ها که خود را نویسندگان تاریخ می‌دانند و ده‌ها سال بعد مرجعی برای وقایع این زمان خواهند بود، تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا ناشر روزنامه‌ای عاری از اخبار جعلی باشند. این بارزترین مزیت روزنامه‌های کاغذی نسبت به رسانه‌های آنلاین است.

با این حال همان‌طور که در سراسر جهان مشاهده می‌شود، روزنامه‌ها نیز نتوانسته‌اند از مزایای رسانه‌های آنلاین چشم‌پوشند و همین باعث شده اغلب روزنامه‌های ایرانی نیز همچون سایر همپایان خارجی خود در کنار نسخه چاپی، بخشی میان‌بیاهوی رسانه‌های آنلاین، ولو با صدایی آرام به راه خود ادامه دهند. بارزترین کاستی رسانه‌های آنلاین، تخصص است. فارغ از معدود رسانه‌های آنلاینی که به‌طور تخصصی و در فضای وب در انتشار اخبار صحیح و مستند می‌کوشند، اغلب

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران

سجاد مشغری / ایران